

## Islamic Denominations

Vol. 9, No. 17, September 2022  
(DOI) 10.22034/jid.2022.136688.1589

# Destruction of Mosques from the Perspective of Islamic Jurisprudence<sup>1</sup>

Seyyed Mahmud Waziri<sup>\*</sup>, Abd al-Karim Biazar Shirazi<sup>\*\*</sup>

Reza Islami<sup>\*\*\*</sup>, Nazir Ahmad Salami<sup>\*\*\*\*</sup>, Hoseyn Rajabi<sup>\*\*\*\*\*</sup>

(Received on: 2018-06-21; Accepted on: 2019-10-23)

### Abstract

Destruction and demolition of mosques are forbidden according to the first ruling of the consensus of Shia and Sunni jurists, and the most important evidence is verse 114 of Surah al-Bagharah. But some examples are beyond the general scope of this verse; first, the demolition of mosques that are on the verge of collapse. Different schools of thought have interpreted this failure as "the violation of *al-mostahdam*", which indicates that this example is out of the generality of the above verse, however, Shafi'i jurists emphasize the necessity of permission and supervision of the ruler. Second, the destruction of mosques that need repair and development, however, the Shia jurists have either remained silent about this example or prohibited it. The most important reason for the prohibition is the generality of the verse. In addition, the title of "the violation of *al-mostahdam*" cannot justify the destruction. Still, the supporters of this practice, including the Shafi'i jurists, have considered compliance with expediency as the criterion of the ruling. Third, the title of *Zerar Mosque*, which Hanbali jurisprudence paid more attention to, and then the Wahhabis considered the destruction and burning of the holy shrines as permissible, and even obligatory, due to their priority over it. However, most non-Wahhabi jurists have considered it necessary to honor the graves of the prophets and the righteous. They did not consider it possible to infer the demolition and burning of *Zerar Mosque* from the mentioned verse, and, in turn, believed that this ruling was based on an uncertain single narration. Using the descriptive and analytical method, this article seeks to investigate the destruction of mosques from the perspective of Shia and Sunni jurisprudence. The article first examines the historical context of the issue, and then, citing the sources of Islamic jurisprudence, analyzes the basics of the prohibition of destroying mosques, and then scrutinizes the opinions of Shia, Hanafi, Maliki, Shafi'i, and Hanbali jurists.

**Keywords:** Destruction of Mosques, Jurisprudence, Islamic Denominations.

---

1. This article is taken from: Seyyed Mahmud Waziri, "Destruction and Relocation of Mosques from the Point of View of the Five Islamic Denominations", 2020, PhD Thesis in Comparative Studies of Islamic Denominations, Supervisor: Abd al-Karim Biazar Shirazi & Reza Islami, Faculty of Islamic Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran

\* PhD in Comparative Studies of Islamic Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), smahmoudv@gmail.com.

\*\* Associate Professor, Department of Jurisprudence and Law, Islamic Azad University Science and Research Branch, Tehran, Iran, dr.biazar@srbiau.ac.ir.

\*\*\* Associate Professor, Department of Jurisprudence and Law, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran, r.esfandiari@isca.ir.

\*\*\*\* Associate Professor, Department of Theology and Islamic Studies, University of Islamic Denominations, Zahedan, Iran, nazir.as@mazaheb.ac.ir.

\*\*\*\*\* Assistant Professor, Department of Islamic Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, h.rajabi@urd.ac.ir.

## تخریب مساجد از منظر فقه اسلامی<sup>۱</sup>

سید محمود وزیری\*، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی\*\*

رضا اسلامی\*\*\*، نذیر احمد سلامی\*\*\*\*، حسین رجبی\*\*\*\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۱]

### چکیده

تخریب و هدم مساجد به حکم اولی نزد فقهای شیعه و سنی به اتفاق حرام، و مهم‌ترین مستندش آیه ۱۱۴ سوره بقره است؛ ولی نمونه‌هایی از شمول عموم این آیه خارج است؛ اول، تخریب ساختمان مساجدی که در آستانه خرابی است؛ مذاهب مختلف از این خرابی به «نقض المستهدم» تعبیر کرده‌اند که نشان از خروج تخصصی این مصداق از عمومیت آیه فوق است، ولی با این حال فقهای شافعی بر ضرورت اذن و نظارت حاکم تأکید دارند؛ دوم، تخریب ساختمان مساجدی که به تعمیر و توسعه نیاز دارند؛ هر چند فقهای شیعه در این نمونه به توقف یا منع قائل شده‌اند. مهم‌ترین دلیل منع نیز همان عموم آیه است. افزون بر آن، عنوان «نقض المستهدم» نیز نمی‌تواند توجیه‌گر تخریب باشد؛ اما مجوزدهندگان این عمل، از جمله فقهای شافعی، رعایت مصلحت را ملاک حکم دانسته‌اند؛ سوم، عنوان مسجد ضرار که فقه حنبلی بیشتر به آن توجه کرده و سپس وهابیان، هدم و تحریق مشاهده مشرفه را بر ملاک اولویتش بر مسجد ضرار، جایز، و بلکه واجب دانسته‌اند؛ در حالی که بیشتر فقهای غیروهابی، تعظیم قبور انبیا و صالحان را لازم دانسته‌اند؛ این فقها استنباط هدم و تحریق مسجد ضرار را نیز از آیه مد نظر ممکن ندانسته و این فتوا را برآمده از خبر واحد غیرقطعی می‌دانند. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی، عهده‌دار بررسی تخریب مساجد از منظر فقه شیعه و فقه اهل سنت است. ابتدا زمینه تاریخی مسئله بررسی، و سپس، با استناد به منابع فقه اسلامی، مبانی حرمت تخریب مساجد تحلیل، و آرای فقهای شیعه، حنفیه، مالکیه، شافعیه و حنبلیه بررسی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** تخریب مساجد، فقه، مذاهب اسلامی.

۱. برگرفته از: سید محمود وزیری، تخریب و جابه‌جایی مساجد از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه اسلامی، رساله دکتری مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی، استادان راهنما: عبدالکریم بی‌آزار شیرازی و رضا اسلامی، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، ۱۳۹۷.

\* دانش‌آموخته دکتری مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) smahmoudv@gmail.com

\*\* دانشیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه آزاد تهران، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران Dr.biazar@srbiau.ac.ir

\*\*\* دانشیار گروه فقه و حقوق، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران r.esfandiari@isca.ir

\*\*\*\* دانشیار گروه الاهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مذاهب اسلامی، زاهدان، ایران nazir.as@mazaheb.ac.ir

\*\*\*\*\* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران h.rajabi@urd.ac.ir

## مقدمه

افراد و گروه‌هایی که دست به تخریب مساجد دیگر مسلمانان می‌زنند، چه محملی برای اقدامات خود تراشیده و به کدام آویزه‌ها آویخته‌اند؟ فقهای مذاهب اسلامی چه قلمرویی برای تخریب مساجد تعریف کرده و آیا اجازه تخریب مساجد تحت عنوان مسجد ضرار را داده‌اند؟

حکم اولیه تخریب مسجد نزد همه مذاهب فقهی «حرمت» است؛ اما گاه فقهای اسلامی از باب مصلحت و حکم ثانوی در نمونه‌های محدودی اجازه تخریب مساجد را داده‌اند؛ بر این اساس، اقدامات برخی از پیروان مسلک وهابیت در تخریب مساجد، خاستگاه و جایگاهی شرعی در بین آرای فقها در این موضوع ندارد. با این حال باید اشاره کرد که مبنای وهابی‌ها در فتوا و اقدام به تخریب مساجد مخالفان، بیشتر از هر چیز بر پایه باورشان به «حرمت بناء بر قبور» است؛ البته آنان گاه برخی گزارش‌های تاریخی درباره سیره نبوی، ذیل آیات مربوط به مسجد ضرار، را نیز مستند خود قرار داده‌اند.

در روزگار ما برخی گروه‌ها و فرقه‌ها با «ضرار» تلقی کردن مساجد مخالفان خود، دست به تخریب آنها زده یا در تخریب آنها کوشیده‌اند. گسترش این پدیده با تاریخ شکل‌گیری مسلک وهابیت و به قدرت رسیدن آل سعود در عربستان هم‌زمان است؛ دورانی که افراطی‌گری مذهبی گسترش یافت و صورتی رنج‌آور به خود گرفت. تندروان مذهبی متأثر از آرای ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب و برخی وهابیان متأخر، در هند، پاکستان، بحرین و مکان‌های دیگر، دست به تخریب مساجد مذاهب و فرقه‌های اسلامی زدند. آنها فتوا به هدم و تخریب مساجد پیرامون مرقد‌ها و مشاهد ائمه اطهار (ع) و بزرگان اسلام به بهانه حرمت بناء بر قبور یا مسجد ضرار بودن داده و مساجد متعددی را تخریب کرده‌اند (قزوینی حائری، ۱۳۹۷: ۸۷/۱). نمونه جدید این گونه اعمال تخریب مساجد شیعیان بحرین با حمایت حاکمان سیاسی آل خلیفه و حاکمان عربستان است (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۷۵). دو نمونه قدیمی‌تر نیز می‌توان در این زمینه برشمرد. نمونه نخست مسجد غدیر (در نزدیکی منطقه جحفه بین مکه و مدینه) است که به رغم اهمیت مذهبی و تاریخی و فروریختن بخشی از آن بر اثر

عوامل طبیعی، وهابیان کاملاً تخریبش کردند (انصاری، ۱۳۸۴: ۳۵۱؛ مجیدی و طاهری‌دوست، ۱۳۹۴: ۱۲۲). نمونه دیگر، تخریب مسجد حمزه و برخی دیگر از مساجد متعلق به شیعیان مدینه، در نخستین یورش‌های وهابیان به حجاز و حرمین شریفین است؛ رخدادی که در بحبوحه تسلط وهابیان با واکنش بسیار و حیرت مسلمانان مواجه شد و با توجه به اینکه گاه گزارش آنها دیرتر به سرزمین‌های اسلامی می‌رسید، برخی را به انکار و می‌داشت. مثلاً رشید رضا نویسنده و مدیر مجله المنار که گرایش‌های متعصبانه‌ای به وهابیان داشت، ضمن نادرست‌دانستن این خبرها، انتشار آنها را به حج‌گزاران و زائران ایرانی شیعی نسبت می‌داد؛ تا اینکه در همان زمان دانشوران شیعه با عرضه شواهد و مستندات به او پاسخ دادند (امین عاملی، ۱۴۰۳: ۴۸/۱۱). به مرور زمان گردِ ابهام از چهره وقایع کنار رفت و کار به جایی رسید که تخریب مساجد، گنبدها و مرقد‌های ائمه اطهار (ع) و بزرگان اسلام در جای‌جای سرزمین‌های اسلامی و عربی در دوران معاصر به رویه‌ای شناخته‌شده در میان مدافعان و تابعان مسلک وهابیت مبدل شد. کار این تندروان به جایی رسید که به فکر تخریب گنبد مرقد نبوی افتادند و در نمونه‌های مختلف، عنوان «حکم القبة المبنية علی قبر الرسول (ص)» را در مقام رساله‌ای فقهی مطرح کردند و به گفته برخی، در ضمن آن فتوای «وجوب هدم القبة الشریفة و هدم المسجد» را گنجانده (کورانی، ۱۴۲۲: ۸۶/۱). استدلال آنها این است: در مساجدی که بنا روی قبور نهاده شده و مشمول عنوان «مسجد ضرار» است، نمازخواندن باطل، و هدم این مساجد واجب است؛ زیرا به زعم آنها، نماز در چنین مساجدی با توحید ناسازگار است (نک: خضیری، ۱۴۱۹: ۲۹).

در پژوهش پیش رو می‌کوشیم ضمن بررسی زمینه تاریخی مسئله، حکم تخریب مساجد را بکاویم. درباره تخریب مساجد تاکنون پژوهش در خور توجهی در قلمرو فقه اسلامی انجام نشده است. فقط در دو رساله، به اختصار اشاراتی به برخی مطالب و مفاهیم مسئله صورت گرفته است؛ نخست رساله‌ای با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی تخریب مساجد برای ایجاد و گسترش فضاها و خدمات شهری» نوشته محمد مرادزاده نور (۱۳۹۱) که نویسنده به رغم عنوان، مبانی فقهی مسئله را بحث نکرده یا اشاره‌وار به آن پرداخته

است؛ هدف تحقیق هم توسعه خدمات شهری بوده است. دومی، رساله کوتاهی با عنوان «تخریب مسجد ضرار، مدارا و آزادی بیان» نوشته محسن ابراهیمی که نویسنده بدون بیان دیدگاهی درباره جنبه فقهی مسئله، در پی رفع و دفع شبهه ناسازگاری تخریب مسجد با آزادی بیان برآمده است.

### ۱. حکم تخریب مسجد

مسجد جایگاهی خاص و مهم در فرهنگ اسلامی دارد. واژه «مسجد» گاه در حدیث نبوی «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهْرًا» (ابن حنبل، ۱۴۲۱: ۲۵۶/۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۲: ۳۵۲/۱) به کل زمین اطلاق شده (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۲: ۵۲۸/۱) و از این رو، مصالها/نمازخانه‌ها «مسجد» خوانده شده‌اند؛ اما موضوع تخریب مساجد در این مقاله، فقط ناظر به معنای اصطلاحی «مسجد» به معنای مکانی مخصوص نماز است که قید دائمی برای اقامه نماز و شهرت به مسجد را داشته باشد (تهانوی، بی تا: ۱۵۳۵/۲؛ نجفی، ۱۴۲۱: ۷۰/۱۴؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۳۳۹/۳).

واژه «خَرَبَ» ثلاثی مجردی است که به باب‌های افعال (اخراب)، تفعیل (تخریب) و تَفَعُّل (تَخْرَبُ) رفته و هنگام اطلاق به «مسجد» و «معبد»، معنای کمابیش مشخص نبودن، شکافتن، تباه کردن، ساقط کردن (شدن) و در هم شکستن دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۴۹/۱؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۴۱/۲-۳۴۲؛ مصطفوی، ۱۴۱۶: ۲۲/۳) و در قرآن کریم در همین مضمون به کار رفته است: «و من اظلم ممن منع مساجد الله ان يذكر فيها و سعی فی خرابها اولئك ما كان لهم ان يدخلوا فيها الا خائفين لهم فی الدنيا خزی و لهم فی الآخرة عذاب عظیم» (بقره: ۱۱۴). به نظر مفسران، «خراب» به معنای تخریب کردن است و تخریب کردن مساجد مانند تخریب بیت المقدس در دوران قدیم یا ممانعت از عبادت و نماز در مساجد، مانند جلوگیری مشرکان از حضور صحابه پیامبر برای اقامه نماز در مسجد الحرام یا مساجد دیگر در دوران پیش از هجرت به مدینه است (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۲: ۵۲۸/۱). طبق احادیث، خراب کردن مسجد در کنار بی‌اعتنایی به مصحف و طرد عترت، سه‌گانه‌ای را شکل داده است که در قیامت به اعتراض برمی‌خیزند:

آنگاه که قیامت شود سه چیز می‌آید (و نزد خدا از مردم شکایت می‌کند). قرآن می‌گوید مرا پاره‌پاره کردند و مسجد اظهار می‌دارد مرا تخریب کردند و معطل داشتند و حقم را تضييع کردند؛ و عترت نیز عرضه می‌دارد: پروردگارا! ما را کشتند و طرد کردند، و آواره و پراکنده ساختند. در این هنگام من (پیامبر) به پا می‌خیزم، از خدای متعال دادخواهی می‌کنم و خداوند می‌فرماید داد همه شما را از آنان خواهم ستانم (نک: صنعانی، ۱۴۲۷: ۱/۲۹۴؛ متقی، ۱۹۸۹: ۵/۴۹۹).

عوامل تخریب مساجد متنوع است. برخی از این عوامل طبیعی‌اند، مثلاً تخلیه اجباری شهر بر اثر وقوع سیل، زلزله و فرسودگی یا تخلیه اختیاری؛ و برخی دیگر از عوامل انسانی است (خضیری، ۱۴۱۹: ۹۳). تخریب مساجد به دست انسان، از نظر فقهی، گاه جایز است و گاه جایز نیست؛ چون در نمونه‌هایی تخریب برای جلب منفعت و مصلحت مسجد یا دفع ضرر و مفسده از آن است؛ بنابراین، گرچه طبق اصل اولی تخریب مساجد حرام است، ولی در مصادیقی تخریب مساجد جایز است؛ مانند تخریب مساجد نزدیک به خرابی به منظور جلوگیری از فروریختن آنها بر روی نمازگزاران و عابران از کنار مسجد؛ تخریب مسجد به قصد توسعه؛ تخریب مساجد بلااستفاده به منظور انتقال آنها به جای دیگر؛ تخریب مساجد مشمول طرح توسعه شهری و منتقل کردن آنها به جای دیگر. درباره این مصادیق جواز تخریب مساجد، همان‌طور که در استدلال‌های فقها می‌بینیم (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲/۱۵۲؛ مکی عاملی، بی‌تا: ۱/۱۵۷؛ سبزواری، بی‌تا: ۲/۲۴۹)، چه بسا بتوان به جای «تخریب»، واژه‌های «عمارت»، «اعاده» و «احداث» را به کار برد؛ چون طبق استدلال فقها، تخریب به قصد بازسازی و توسعه، همان احداث و ایجاد است و نه ویرانی و رهاسازی (سبزواری، بی‌تا: ۲/۲۴۹)؛ به این ترتیب تخریب مسجد در مثال‌های جواز مانند نقض المستهدم (تخریب مساجد نزدیک به خرابی) و تخریب به قصد بازسازی و توسعه، یا تبدیل به احسن با تخریب به قصد ویرانی و رهاسازی تفاوت بنیادین دارد.

در جست‌وجوی زمینه مفهومی چنین تلقی‌ای از تخریب مساجد، می‌توان به مضمونی درباره کعبه در منابع حدیثی اهل سنت اشاره کرد که واژه «هدم» به معنای انهدام، نقض و خراب کردن کعبه در زمینه‌ای مثبت آمده است: «قال رسول الله یا عائشة لولا ان قومک

حدیثو عهد بشرک، لهدمت الکعبة و جعلت لها بابا یدخل منها الناس و باب یخرجون منه؛ پیامبر (ص) به عایشه فرمود اگر مردم عرب به باورهای شرک آلود نزدیک نبودند کعبه را منهدم می‌کردم (و مجدد می‌ساختم) و برای آن دو در، یکی برای ورود و دیگری برای خروج، می‌ساختم» (ابن خراط، ۱۴۲۲: ۶۳/۲). البته در فقه اسلامی برای تخریب مساجد، از باب مصلحت یا از باب دفع ضرر، به چنین حدیثی استدلال و استناد نشده است.

به این ترتیب و با لحاظ معنای لغوی واژگان «خراب»، «نقض» و «هدم»، باید گفت به طور کلی در فقه اسلامی، تخریب مساجد منهی عنه است و باید از آن پرهیخت. فقهای شیعه (نجفی، ۱۴۲۱: ۳۶۹/۷؛ مغنیه، ۱۴۳۰: ۶۱۴/۲) و فقهای اهل سنت (نک: ابن حجر، ۱۴۲۴: ۱۵۶/۳-۱۵۷؛ دمیاطی، ۱۴۱۸: ۲۱۴/۳-۲۱۵) به حرمت تخریب مسجد فتوا داده‌اند. آنها به آیه ۱۱۴ بقره استدلال می‌کنند که در آن، تخریب مسجد، بدترین ستم و به شدت نکوهیده است و پیامدش، تخریبگر را به خواری در دنیا و عذاب عظیم در آخرت دچار می‌کند (طبرسی، ۱۹۹۹: ۳۶۲/۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵: ۷۷/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۳۱۰/۱). به نظر شافعی‌ها، در صورتی که هیچ خوف و خطری در رو به خرابی رفتن مسجد وجود نداشته باشد، هیچ کس حق تخریب مساجد را ندارد (ابن حجر، ۱۴۲۴: ۲۳۷/۳؛ دمیاطی، ۱۴۱۸: ۲۱۴/۳-۲۱۵). فقهای حنفی نیز شرایط سختگیرانه‌ای برای مراقبت از مساجد در نظر گرفته‌اند و تخریب مسجد را جایز نمی‌دانند (نک: ابن نجیم، بی تا: ۲۷۲/۵-۲۷۳؛ عینی، ۱۴۲۰: ۴۵۶/۷). مالکی‌ها نیز تغییر و تخریب مسجد را مجاز ندانسته و فتوا داده‌اند که اگر فردی مسجدی را تخریب کند، اجباراً باید آن را به همان حالت اول بسازد و بنا کند (ابن جزئی کلبی، ۱۹۶۸: ۲۴۴؛ مالکی، بی تا: ۱۰۷). فقهای حنبلی برخلاف مذاهب دیگر، با فروش زمین مساجد وقفی (طبق شرایط و محدودیت‌هایی) و نقل و انتقال مساجد موافقت کرده‌اند، اما به طور کلی مانند دیگر مذاهب به حرمت تخریب مساجد قائل‌اند. بررسی منابع مختلف حنبلی نشان می‌دهد که فحوای کلامشان بیانگر حرمت تخریب مسجد است؛ زیرا تنها نمونه‌ای که گاه با عبارت «یجوز نقض» موافقت کرده‌اند، مربوط به جواز نقض و هدم مناره مسجد در فرض هجوم سگ‌ها به داخل مسجد است که برای ممانعت از این کار و مصلحت مسجد، فتوا داده‌اند که تخریب مناره مسجد و

تبدیل آن به دیواری برای حفاظت از مسجد جایز است (ابن ضویان، ۱۴۰۹: ۱۹/۲). فقهای معاصر حنبلی هم که آثارشان در عربستان سعودی منتشر و خوانده می‌شود، از آیه ۱۱۴ سوره بقره، حرمت تخریب مساجد را استنباط کرده و خراب به هر دو شکل، خرابِ حسی و خرابِ معنوی (منهدم‌کردن و تعطیل‌کردن اقامه نماز در مسجد) را حرام می‌دانند (عثمین، بی تا: ۱۰/۲).

## ۲. مساجد در آستانه خرابی

یگانه نمونه‌ای که در فقه اسلامی اجازه تخریب مساجد داده شده و در آن اختلافی نیست، مساجد رو به ویرانی است. فقیهان در مطرح کردن فروع این مسئله، از واژه «تخریب» و «خراب» که در آیه ۱۱۴ سوره بقره در وجه منفی به کار رفته، پرهیز کرده‌اند. به جای آن، واژه «نقض» را در عباراتی مانند «نقض المستهدم» یا «اعادة المستهدم» به کار برده‌اند. «المستهدم» به کسر دال به معنای مشرف بر نابودی است (حسینی عاملی، ۱۴۱۶: ۲۴۲/۲). در متون فقه اهل سنت، واژه «نقض» (به کسر و ضم نون؛ جمع آن «نقوض») به آجر و مصالح مسجد خراب یا رو به انهدام اطلاق شده است (نک: دمیاطی، ۱۴۱۸: ۲۱۴/۳).

### ۲. ۱. فقه شیعه

در فقه شیعه تنها مصداق جواز تخریب مساجد را در قالب عباراتی مانند «نقض المستهدم» یا «اعادة المستهدم» بیان کرده‌اند (نجفی، ۱۴۲۱: ۳۷۰/۷). گاه نقض المستهدم را مستحب (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۶۰/۱؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۳۳۸/۳) یا واجب دانسته‌اند (حسینی عاملی، ۱۴۱۶: ۲۴۲/۲). حکم به وجوب نقض مسجدی که نزدیک به نابودی است، در جایگاه حکم ثانوی و از باب قاعده لاضرر، در فرض هراس از فروریختن آن بر روی عابران است. در تبیین وجه استحباب و نیز توجیه مفهوم «اعادة المستهدم» که گاه به جای «نقض المستهدم» به کار رفته، استدلال شده است که عبارت «اعادة المستهدم» بیانگر مصداقی از عمارت و آبادانی مسجد است و عمومیت آیات عمارت مسجد شامل آن می‌شود (سبزواری، بی تا: ۲۴۹/۲؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۵۲/۲؛ مروارید، ۱۴۱۰: ۸۵۰/۴). شیخ طوسی عبارت «و إذا استهدم



مسجد استحباب نقضه و إعادته إذا أمكن و كان بحيث يتتابه الناس فيصلون فيه» (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۶۰/۱) را به کار برده است؛ عبارت او علاوه بر حکم به استحباب تخریب در فرض مساجد در آستانه خرابی، بازسازی آنها را در صورت رجوع نمازگزاران مستحب می‌داند. نیز این عبارت شیخ طوسی می‌رساند که استحباب بازسازی مساجد رو به خرابی، به مساجد دورافتاده کنار راه‌های متروکه، که نزدیک به ویرانی‌اند و ضرورتاً باید تخریب شوند، تعلق ندارد.

#### ۲. ۱. ۱. تخریب مساجد به قصد توسعه

در برخی منابع روایی فقهی، موضوع تخریب مساجد در زیر عنوان «باب جواز هدم المسجد بقصد اصلاحه والزیاده فیہ» آمده است (حر عاملی، ۱۴۱۲: ۴۸۷/۲). درباره مسئله تخریب مساجد به قصد گسترش آنها، فقهای شیعه اختلاف نظر دارند. برخی به جواز قائل‌اند و برخی آن را مجاز نمی‌دانند و در عین حال برخی دیگر در مسئله توقف کرده‌اند. مدافعان مجازنبودن تخریب مساجد به قصد توسعه، گاه استدلال می‌کنند که تخریب غیرالمُستهدِم در هیچ حالتی جایز نیست؛ هم با استناد به آیه ۱۱۴ سوره بقره و هم با استناد به استصحاب حرمت (نجفی، ۱۴۲۱: ۳۷۰/۷). ظاهر اطلاق عبارت حلی مجازنبودن تخریب مساجد به قصد توسعه است؛ زیرا در سرائع آمده است که «نقض آنچه در حال انهدام است جایز است نه غیر آن» (حلی، ۱۴۰۸: ۱۱۷/۱). قائلان به جواز تخریب، در صورت وجود مصلحت چنین نظری دارند و معتقدند تخریب به قصد توسعه، خوب، مستحسن و نیکو است (خامنه‌ای، ۱۴۱۵: ۱۲۴/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۵۵/۲). علمایی مانند بحرانی جواز تخریب به قصد توسعه و اصلاح را بی‌اشکال دانسته‌اند (بحرانی، ۱۴۰۹: ۳۱۰/۷). بحرانی در این فتوا بر صحیحۀ عبدالله بن سنان (صدوق، ۱۴۱۶: ۱۵۹/۱) تکیه کرده، که در آن جواز تخریب مسجد با هدف گسترش دادن و توسعه دادن آن صراحتاً آمده است (نک: همدانی، ۱۴۱۶: ۷۰۳/۲). شهید اول و شهید ثانی در جواز تخریب مسجد با هدف توسعه آن توقف کرده‌اند. آنها در منع تخریب به قصد توسعه، به عموم دلیل منع تخریب و در جواز تخریب به قول و فعل صحابه در توسعه مسجدالنبی استناد کرده‌اند و در این باره افزوده‌اند که مخالفت حضرت علی (ع) به

ما نرسیده است؛ نیز به نظر آنها مسجدالحرام در آن زمان‌ها توسعه یافت، اما مخالفتی از طرف علما با این توسعه‌های متعدد، نقل و گزارش نشده و به ما نرسیده است (حسینی عاملی، ۱۴۱۶: ۲/۲۴۲).

## ۲.۲. فقه اهل سنت

اهل سنت علی‌رغم اشتراکاتی که دارند در احکام فقهی به فرقه‌ها و مذاهب گوناگونی تقسیم شده‌اند که در ادامه به اصلی‌ترین این گروه‌های فقهی اشاره می‌شود.

### ۲.۲.۱. فقه شافعی

فقه شافعی در موافقت با انهدام مساجدی که ترس از نابودی و سقوطشان وجود دارد، نکات مختلفی مطرح می‌کند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. عبارت برخی منابع فقهی شافعی بیانگر موافقت آنها با انهدام مساجد در آستانه نابودی (نَقْضُ الْمُسْتَهْدِمِ) است، زیرا گفته‌اند فروش زمین و مصالح این دست مساجد جایز است. عبارت برخی منابع و متون فقه شافعی چنین است: «و داره ای بنایه المسجد التي تهدمت او بانهدام دلت ای اشرفت علیه، بیعت» (سبکی، ۱۴۲۲: ۳/۳۸۵؛ نیز نک.: عبدری، ۱۴۱۶: ۱۰/۳۶۲).

با این حال، در فقه شافعی برای تخریب مساجدی که ترس سقوط و انهدامشان وجود دارد، شرایط و محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده است؛ از جمله این شرایط، واگذار کردن امر نقض المستهدم به حاکم است. به نظر فقهای شافعی، در صورت بیمناکی از خرابی مسجد، برای حاکم جایز است که آن را منهدم کند (بجیرمی، ۱۳۶۹: ۳/۲۱۲؛ بغا والآخرین، ۱۴۱۳: ۵/۳۰). گاه در بیان فرعی کلی (بدون یادکرد از مسجد) آورده‌اند که اگر فردی حتی با اذن حاکم، در ملک خودش ساختمانی کج و مایل به سمت خیابان یا ملک غیر بنا کند و بر روی دیگران بیفتد، ضامن است؛ گرچه برخی با این نظر مخالفت کرده و گفته‌اند اگر بنا در آستانه نابودی باشد، لازم است که حاکم، فرد را مجبور به تخریب کند و اگر چنین نکرد، خود مردم حق دارند بنا را نابود کنند (سبکی، ۱۴۲۲: ۴/۷۳). از این مطالب برمی‌آید که نَقْضُ الْمُسْتَهْدِمِ در فقه شافعی، مسئله‌ای مبتلا به بوده است. در برخی منابع

در موضوع پیش گفته با تفصیل بیشتری سخن گفته شده است؛ با این بیان که به نظر شافعیان، وظایف محتسب در امور معروف مرتبط با حق الناس، به دو بخش حق عام و حق خاص تقسیم می شود. حق عام مانند اصلاح خرابی آب شرب یا بازسازی در و دروازه و دیوار شهر و بازسازی مساجد تخریب شده است. بسیاری از شافعیان تصریح کرده اند که در جاهایی که خوف انهدام بنا بر روی عابران و افراد وجود دارد، باید از حاکم اجازه تخریب مسجد و ساخت مجدد آن را بگیرند و صرف اجازه محتسب کفایت نمی کند (نک: دمیاپی، ۱۴۱۸: ۲۱۴/۳-۲۱۵؛ ابن حجر، بی تا: ۲۳۵/۳؛ نویری، بی تا: ۲۹۹/۶). ظاهراً مبنای اجازه ندادن به محتسب این است که حاکم باید تضمین بازسازی مسجد را از آنها بگیرد، ولی محتسب نمی تواند چنین کند (وزارة الاوقاف والشئون الاسلامیة، ۱۴۰۴-۱۴۲۷: ۲۴۲/۱۷). بنابراین، به نظر شافعیان، درباره مساجدی که ترس از خرابی شان وجود دارد، حاکم تصمیم می گیرد و بعد از تخریب می تواند با مصالح آن، مسجد دیگری در جای دیگری بسازد یا در صورت امکان، همان مسجد را در همان محل، بازسازی و حفظ کند. عبارت برخی فقهای شافعی چنین است: «فلو خیف علیه نقض، نُقض و بنی الحاکم به ای بنقضه مسجداً آخر، ان رأی ذلک و الا حفظه» (سبکی، ۱۴۲۲: ۱۸/۱۳). این در صورتی است که محله و قریه تخلیه یا تخریب شده و مسجد بلااستفاده و بدون انتفاع مانده و تعطیل باشد؛ وگرنه در فرضی که فقط ترس از خرابی وجود دارد، مانند اینکه مسجد کج و ناهمگون ساخته یا کهنه شده است و نیاز به بازسازی اش وجود دارد، همچنان به اذن حاکم و صلاح دید او، همان مسجد بازسازی می شود. در فرضی دیگر، وقتی قریه و محله تخلیه شده مجدد آباد شود، اگر پیش تر حاکم از باب مصلحت، سنگ و آجر و مصالح مسجد معطل شده را به جای دیگری منتقل کرده و مسجد بهتری ساخته باشد، نمی تواند این مسجد دوم را تخریب کند و مصالحش را به مسجد اول برگرداند. نیز نمی تواند با مصالح مسجد، چاه یا نمونه کارهای وقفی دیگری بسازد، زیرا خلاف غرض واقف است (بجیرمی، ۱۳۶۹: ۲۱۲/۳).

### ۲.۲.۲. فقه حنفی

گرچه برخی مذاهب اهل سنت مانند حنفیه به مسئله تخریب و انتقال مساجد و موضوعات پیرامونی‌اش توجه کرده‌اند، اما در قیاس با دیگر فقها، فقط به مطرح کردن اصل مسئله اکتفا، و کمتر به جزئیات اشاره کرده‌اند. به این ترتیب فقط گفته شده که در فقه حنفی با فرض ترس از خرابی مسجد، اجازه نقض و خراب‌کردنش داده شده است (الشیخ نظام و جماعه من علماء الهند، ۱۴۱۱: ۴۵۷/۲).

### ۲.۲.۳. فقه مالکی

به نظر مالکیان، در بناهایی که ترس از خرابی‌شان وجود دارد، حاکم صاحب بنا را مجبور به خراب‌کردن می‌کند و تنها اختلاف موجود مربوط به آن است که بازسازی بنا بر عهده چه کسی باید باشد؛ گاه این مسئله را به صورت بنای فوقانی و تحتانی بر مسجد تطبیق داده و مسائل مربوط به ضمانت را در صورت افتادن طبقه فوقانی بر روی ساکنان طبقه تحتانی مطرح کرده‌اند (ابن رشد، ۱۴۰۸: ۳۹۲/۹؛ ابن عرفه دسوقی، بی تا: ۳۶۶/۳؛ صاوی، ۱۴۱۵: ۳۰۵/۳). از مجموع این نکات این نظر به دست می‌آید که بناها و مساجد در آستانه ریزش که ترس فروریختنش بر عابران و ساکنان وجود دارد، باید خراب شود (نک: خطاب رعینی، ۱۴۱۲: ۳۲۱/۶).

### ۲.۲.۴. فقه حنبلی

در فقه حنبلی نیز در مسئله تخریب مساجد دیدگاهی مشابه مالکیان، یعنی ضرورت انهدام بنایی که ترس سقوط و خرابی‌اش وجود دارد، اتخاذ شده است؛ حنبلی‌ها برای این حکم به حدیث لاضرر و لاضرار استناد کرده‌اند. نیز آنها برخی فروع مربوط به مسجدی را مطرح کرده‌اند که دیوار همسایه‌اش در آستانه خرابی است و اینکه برای جلوگیری از سقوط بر روی دیگران باید آن را تخریب کرد؛ البته در این موضوع درباره اینکه چه کسی وظیفه بازسازی دارد، اختلاف نظر دیده می‌شود (نک: ابن تیمیه حرانی، ۱۳۹۷: ۳۴۳/۱؛ حجاوی، بی تا: ۲۰۶/۲؛ ابن مفلح، ۱۴۲۴: ۴۴۵/۶).

### ۳. مسجد ضرار

طبق گزارش سیره‌نویسان، تخریب مسجد ضرار در ماه رمضان سال نهم هجری در مدینه با فرمان پیامبر اکرم (ص) رخ داده است (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۳۰/۱؛ سخاوی، ۱۴۱۴: ۱۶/۱). در آیه «والذین اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً بین المؤمنین و ارساداً لمن حارب الله و رسوله من قبل و لیحلفن ان اردنا الا الحسنی و الله یشهد انهم لکاذبون» (توبه: ۱۰۷) از مسجدی نام برده شده که برای اضرار و ضرر زدن به مؤمنان برپا شده بوده است. در توضیح معنای «ضرار» گفته‌اند منفعت‌بردن و زیان‌رساندن به دیگری ضرر، ولی منفعت‌نبردن و زیان‌رساندن به دیگری، ضرار است. بر این اساس، برپادارندگان مسجد ضرار، از آنها که به دیگران ضرر و زیان می‌رسانند، شرارت بیشتری مرتکب شدند؛ زیرا نیت اصلی‌شان ضربه و ضرر زدن به مؤمنان بود (قرطبی، ۱۴۰۵: ۲۵۴/۸). گزارش مفسران و متفکران اسلامی در ذیل آیه، بیان می‌دارد محلی که قرآن با تعبیر «مسجد ضرار» به آن اشاره می‌کند، گرچه به ادعای سازندگانش عنوان مسجد داشته، ولی عملاً مکانی برای شرارت و تفرقه‌افکنی بوده و به سبب طرح‌های شیطانی گردانندگانش، تعبیر ترکیبی «مسجد ضرار» ماهیتش را برملا کرده است. در مقابل این مسجد، مسجد قباء بر اساس تقوا و ایمان و اخلاص برپا شده و مؤمنان در آن اراده و اشتیاق پاکی و درستی داشتند، نه نفاق. در واقع، مسجد ضرار به مسجد قبا اضرار می‌رساند (صابونی، ۱۴۱۷: ۵۲۲/۱-۵۲۳؛ ملطی، بی‌تا: ۲۷/۱).

در شأن نزول آیه آمده است که در منطقه قبا، بنی‌عمرو بن عوف مسجدی ساخت که پیامبر در آن نماز خواند. پس‌رعموهای آنها، طائفه بنی‌غنم بن عوف، حسادت ورزیدند و با این قصد منافقانه که از مسلمانان جدا شوند، طرح ساختن مسجدی را در کنار آن مسجد ریختند؛ برای این کار نزد پیامبر (ص)، که آماده رفتن به تبوک بود، آمدند و اعلام کردند که این مسجد را برای نیازمندان ناتوان، برای شب‌های سرد و بارانی و ناتوانان در رفتن به مسجد قبا ساخته‌اند و از حضرت خواستند در آن نماز بخواند و برای آنها دعا کند. حضرت نمازخواندن را به بازگشت از تبوک موکول کردند و در بازگشت، این آیه نازل شد و حضرت فرمان داد که مسجد را تخریب کنند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۸۲/۱). اصل توطئه ساختن

مسجدی به منظور ایجاد تفرقه و اضرار را به فردی به نام ابوعامر راهب نسبت داده‌اند که پیامبر (ص) او را فاسق خواند (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۰۴/۳۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۷۶/۲). طبق گزارشی، ابوعامر راهب بعد از فتح طائف و اسلام آوردن تقیان، به شام نزد قیصر رفت و اظهار مسیحیت کرد. او از آنجا نامه‌ای به گروهی از منافقان قومش در مدینه نوشت و از آنها خواست مسجدی بسازند و سر فرصت منتظر آمدن او با سپاهی از شام باشند. دوازده نفر برای این کار انتخاب شدند و آنها با توطئه نزد پیامبر رفتند و طرح ساخت مسجد را با او در میان گذاشتند که حضرت حضورش را به بعد از بازگشت از تبوک موکول کرد (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۳۰/۱۱). پیامبر (ص) به چند تن گفت که بروید این مسجدی را که اهلش ستمگرند، «نابود کنید و بسوزانید» (ابن هشام، بی تا: ۲-۵۲۹؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۶۴۷/۲-۶۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۲/۲۱).

در گذشته تاریخ اسلامی، تخریب مساجد مسلمانان به بهانه مسجد ضرابی بودن، کاری مرسوم و شناخته شده است، اما این مسئله فقط بر اساس انگیزه مذهبی رخ نمی‌داده و طرح و توطئه سیاسی هم پشتوانه‌اش بوده است. در نمونه‌هایی ستمگران در پی اعمال زور و فشار بر مخالفان برمی‌آمدند و با فتوای علمای درباری حکم تخریب مساجد را می‌گرفتند. مثلاً ابن کثیر خبر می‌دهد که در ماه صفر ۳۲۳ ه.ق. به مقتدر، خلیفه عباسی، گزارش دادند که گروهی از رافضه (ظاهراً منظور گروهی از اسماعیلیان است) در مسجد بُراتا جمع شده و از صحابه تبری جست‌ه‌اند و نماز نمی‌خوانند! همچنین، با قرامطه مکاتبه کرده و ضمن اظهار تنفر از خلیفه، معتقدند محمد بن اسماعیل که در منطقه میان کوفه و بغداد ظهور کرده، همان مهدی موعود است. خلیفه از عالمان درباری فتوا گرفت که «فاستفتی العلماء بالمسجد فافتوا بانه مسجد ضرار». فردی در پیشگام لشکر با فتوایی در دست از طرف خلیفه به منطقه آمد، مسجد را خراب کرد، شماری از مردم را کشت و اجسادشان را به گودالی در محل همان مسجد ریخت (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۵۲/۱۱).

به نظر می‌رسد اشاره‌های برخی روایات شیعی به حرفه و شغل بعضی از افراد در تخریب مساجد مخالفان با اتهام مسجد ضرابی بودن، ناظر به همین وضع بوده است؛ زیرا در

حدیث بلندی، معروف به حدیث «معایش الناس»، از کسب اجرت از راه تخریب مسجدهای به نام مسجد ضرار، با این بیان خبر داده شده که: «ان یواجر نفسه فی هدم المساجد ضرارا» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۰۲/۱۹؛ بحرانی، ۱۴۰۹: ۶۹/۱۸). این عبارت‌ها برملاکننده رواج چنین شغل‌های حرامی در عصر صدور این روایات است.

### ۳. ۱. تخریب مسجد ضرار و تأثیر آن در فتوای فقها

فقیهان اهل سنت شماری از احکام مساجد را با استنباط از عنوان «مسجد ضرار» اجتهاد کرده‌اند؛ پدیده‌ای که بیشتر در کتب فقهی مالکیان نمود دارد، که میان مناطق دارای گرایش‌های قبیله‌ای ساکن بوده‌اند. نزد آنها، ساختن «مساجد همجوار» اگر به قصد ضرر و ضرار به قوم و گروه دیگری بر پا شده باشد، عنوان «مسجد ضرار دارد» و انهدامش واجب است. از میان مطالب مطرح‌شده بر محور مسجد ضرار دو فرع گفتنی است: اول، جایز نبودن ساختن مسجدی در جوار مسجد دیگر به قصد اضرار؛ و دوم، ساختن دو مسجد در یک ناحیه در صورت وجود نیاز و کثرت نمازگزار. در این فرض، اگر هر دو مسجد بانی و تعمیرکننده داشته باشند، ساختن مسجد دوم جایز است. در این خصوص به مالک بن انس نسبت داده‌اند که اگر ساختن مسجد دوم با هدف ضرر و اضرار و تفرقه بین مسلمانان باشد، باید آن را منهدم کرد و سوزاند (ابن‌رشد، ۱۴۰۸: ۴۱۰/۱؛ ابن‌علیش، ۱۴۲۸: ۲۴۷/۴). بنابراین، می‌بینیم در نگرش فقهای مالکی، تأکید بر نبود اضرار حسی و عینی می‌شود و این تأکید برگرفته از همان مضمون مسجد ضرار است. همچنین، اگر نیاز به ساخت مسجد جدیدی در کنار مسجد اول باشد، فقهای مالکی آن را جایز می‌دانند. مشکل ساختن مسجد جدید فقط جایی است که هیچ نیاز عینی و مشخصی به آن نباشد و انگیزه سازندگان، صرفاً بی‌اعتبارکردن مسجد نخست بوده باشد.

مشابه نظر و نگرش پیشین در فقه حنبلی وجود دارد. فقهای حنبلی گاه در فرض وجود مساجد متعدد مجاور در یک محله، بین مسجدی که جمعیت نمازگزارش فراوان باشد و قصد اضرار هم نداشته باشد، با مسجدی که چنین نباشد، تفکیک قائل شده‌اند؛ اولی ساختنش مجاز است و دومی نه؛ و طبق یکی از دو قول منقول از احمد بن حنبل، اگر

مسجد اول ساخته شود، تخریبش واجب است (ابن مفلح، ۱۴۲۴: ۵۷/۳؛ ابن تیمیه، ۱۳۹۷: ۴۳۳/۱). گاه درباره مسجدهای بزرگی که در هر قسمتش امام جماعتی نماز اقامه می‌کند، با این توجیه که بدعت است و از سلف صالح دیده نشده، نظر داده‌اند که باید استفاده از این قسمت‌ها برای مصلحت مسجد واحد باشد و اگر موجب ضرر زدن به مسجد می‌شود، هدم و خرابی این قسمت‌های مجزا واجب است (بهوتی، بی‌تا: ۱۳۹؛ خضیری، ۱۴۱۹: ۷۷). همچنین، گاه درباره اقامه نماز جمعه در چند مسجد گفته‌اند اذن امام و حاکم شرط است و در برخی فروض مسئله در صورت نبود ضرورت، نماز جمعه در مسجد دوم باطل است و مدرک فتوای آنها باطل بودن نماز در مسجد ضرار به سبب نهی «لا تقم فیہ ابداً» (توبه: ۱۰۸) است؛ با این بیان که اقامه نماز جمعه در آن مسجد در صورت نبود نیاز و ضرورت، مصداق مسجد ضرار است (عثمین، ۱۴۲۲: ۷۵/۵). نیز برخی از حنابله با استناد به سیره نبوی در دستور به خرابی و سوزاندن (هدم و احراق) مسجد ضرار، قاعده‌ای کلی استنتاج کرده و بر اساس آن فتوا داده‌اند که خراب کردن و سوزاندن اماکن معصیت جایز است. بنابراین، حاکم و امام باید چنین مکان‌هایی را تعطیل یا خراب کند یا با دگرگونی موجب تغییر هویتش شود (ابن قیم جوزیه، ۱۴۱۵: ۵۴۷/۳).

در شماری از منابع فتوایی معاصر، با جمع‌بندی آرای فقهای اهل سنت درباره مساجد ضرار، این مطلب مطرح شده است که منع ساخت مسجدی که برای شقاق و اختلاف بنا می‌شود، و انهدام آن در صورت ساخته شدن، جایز است. مانند اینکه در کنار یک مسجد، مسجد دیگری بدون هیچ نیازی ساخته شود (دار الافتاء المصریه، بی‌تا: ۸۱/۹).

غیر از این نمونه‌ها که در فقه اهل سنت از موضوع مسجد ضرار در برخی استنباط‌ها و شناسایی احکام مربوط به عمارت و ساختن مساجد بهره برده‌اند، در دیگر منابع فقهی مذاهب اسلامی، اساساً به بحث مسجد ضرار نپرداخته و هنگام بیان احکام مساجد، از عنوان و موضوع «مسجد ضرار» استفاده و استنباط فقهی نکرده‌اند. با وجود این، در برخی از کتاب‌های حنبلی‌ها، به‌ویژه بعد از ابن تیمیه (متوفای ۷۲۸ ه.ق.)، از موضوع مسجد ضرار و سیره نبوی در مواجهه با این مسجد، استفاده‌های ناروایی شده است؛ زیرا مسئله بناء بر قبور



را با مسجد ضرار قیاس کرده و از آن فتوای خرابی این دست بناها و مساجد را با استناد به مصداقی از مسجد ضرار صادر کرده‌اند. ابن‌قیم، شاگرد ابن‌تیمیه، معتقد است مساجد و گنبد‌های ساخته‌شده بر قبور را باید تخریب کرد. به فتوای او، تخریب چنین مساجد و گنبد‌هایی، اولی و مهم‌تر از تخریب مسجد ضرار است. استدلالش این است که طبق روایات نبوی، حضرت از بنای بر قبور نهی، و بناکنندگان بر قبور را لعنت کرد؛ با استناد به احادیثی مانند «ان شرار الناس الذین یتخذن قبور انبیائهم مساجد» (طبرانی، ۱۴۱۵: ۱۸۸/۱۰) یا «لعنة الله على اليهود والنصارى اتخذوا قبور انبيائهم مساجد» (نسائی، ۱۴۲۱: ۴۷۱/۲) که حضرت به خرابی قبور برخاسته و بلندمرتبه (القبور المشرفة) دستور داد. بنابراین، ساختن مسجد و گنبد بر روی قبور، نافرمانی پیامبر (ص) است و هر ساخت و بنایی که بر معصیت و مخالفت کردن با پیامبر بنا نهاده شود، محترم نیست. ابن‌قیم هم استدلال می‌کند و خرابی چنین مساجد و گنبد‌هایی اهمیت و اولویت بیشتری از بنای غاصبانه دارد (ابن‌قیم جوزیه، ۱۳۹۵: ۲۱۰/۱؛ کورانی، ۱۴۲۲: ۱۱۹/۱). ظاهراً وجه اولویت این است که در روایات نهی از بناء بر قبور، بناکنندگان لعن شده‌اند و این لعن وجه غلیظ‌تر و شدیدتری از نهی دارد. نیز پیروان ابن‌تیمیه و ابن‌قیم با ضراردانستن مساجدی که به زعم آنها روی قبور ساخته شده، فتوا به خرابی این مساجد داده‌اند. یکی از سلفیان معتقد به مسلک وهابیت، کتابی با نام *تحذیر الساجد من اتخاذ القبور مساجد* نوشته است. به زعم وی، هر گونه ساختن مسجد روی قبور، مصداقی از مسجد ضرار است (البانی، ۱۴۰۶: ۲۱۹-۲۲۴).

### ۳. ۱. ۱. نظر رشید رضا و نقد آن

برخی مبلغان سلفی‌گری، مانند رشید رضا، دیدگاه بسیاری از حنبلی‌ها و برخی شافعیه در وجوب تخریب گنبد‌ها و مساجد ساخته‌شده بر روی قبور را به سیره نبوی در تخریب مسجد ضرار مستند کرده و گفته‌اند:

برخی از فقها چنین گفته‌اند: واجب است مساجد و گنبد‌هایی را که بر قبور امامان اهل بیت و پیشوایان فقه و بقیه اولیا و شایستگان بنا شده است منهدم کرد و از بین برد. و این مطلب را از باب نمونه می‌توان در کتاب *الزواجر*

ابن حجر، که از فقهای شافعی است، یافت و در سایر کتب آنان، از جمله تألیفات عالمان حنبلی می‌توان مشاهده کرد. استدلال آنان در ضرورت انجام دادن این کار به منهدم کردن مسجد ضرار به دستور پیامبر اعظم (ص) است (رشید رضا، ۱۹۹۰: ۳۵۷/۱).

اما برخلاف تصویرسازی مدافعان وهابیت و برخلاف گزارش رشید رضا، شافعیانی مانند ابن حجر هیثمی، ساختن بنا بر قبور را جایز و مطابق سیره همیشگی مسلمانان دانسته‌اند (ابن حجر، بی‌تا: ۱۶/۲-۱۷). از جنبه تاریخی نیز نظر فقهی ابن حجر تأیید شده است، زیرا علاوه بر نمونه‌های فراوان از بنای بر قبور پیامبران، امامان، صالحان و اولیای الهی، بر قبور ائمه اربعه اهل سنت، بناهای گنبددار ساخته شده و بارها این بناها را بازسای کرده‌اند. در توضیح بیشتر و نقد دیدگاه امثال رشید رضا می‌توان گفت در مضامین آیه ۱۰۷ و ۱۰۸ سوره توبه درباره مسجد ضرار، اشاره‌ای به تخریب مسجد وجود ندارد و فرمان پیامبر راجع به هدم و احراق مسجد ضرار، که در کتب تاریخ و سیره آمده، برگرفته و استنباط شده از آیه نیست. آنچه در این آیه می‌بینیم تعبیرهای مرسوم قرآنی در اشاره به اعمال رفتار و باورهای منافقان و مذمت شدید آنها است. از طرف دیگر، به نظر می‌رسد آیات مذکور در مقام بیان و تشریح اند، چون با نهی «لا تقم فیہ ابداً» (توبه: ۱۰۸) که کنایه از حرمت خواندن نماز در آن دارد، مانع حضور پیامبر در آن مسجد شده‌اند. بنابراین، در خود آیات شاهده‌ی بر جواز تخریب مسجد دیده نمی‌شود، مگر فرض کنیم نمازخواندن پیامبر منجر به تعطیلی و تخریب آن شده است. نهایت مطلب اینکه، حداکثر دریافتی که از آیات مرتبط با مسجد ضرار می‌توان به دست آورد، حرمت حضور در مسجد ضرار و اقامه نماز در آن است (ابن قیم جوزیه، ۱۴۱۵: ۵۴۹/۳؛ شستقیطی، ۱۴۱۵: ۳۱۰/۲). به علاوه، در آیه مذکور جز عباراتی همچون «تفریق»، «کفر»، «ضرار» و «ارصاد» که در نکوهش شدید منافقان است، نمونه‌ای که حاکی از تخریب مسجد ضرار باشد، بیان نشده است. همچنین، می‌دانیم که در آیات دیگر نکوهش شدید و مذمت بسیار منافقان دیده می‌شود، اما قرآن کریم دستور نابدی آنها یا مصادره اموال و دارایی‌شان یا منع آنها از همراهی با مسلمانان را نداده است؛ این سیره و

سنت نبوی هم بر پایه اولویت حفظ نظم جامعه، نکشتن منافقان، مصادره نکردن اموال آنها و تخریب نکردن اماکن و مساجدشان بوده است؛ گذشته از این، خبر تخریب و سوزاندن مسجد ضرار خبر واحدی است، زیرا نخست در سیره ابن اسحاق به روایت ابن هشام نقل شده و مورخان بعدی، به نقل از او، آن را بازنویسی و گزارش کرده‌اند. سپس همین نقل تاریخی موجود در کتاب‌های سیره و تاریخ، به منابع حدیثی هم راه یافته است؛ وگرنه در منابع و جوامع روایی معتبر اهل سنت و شیعه، خبر تخریب و سوزاندن مسجد ضرار مستقلاً و با رعایت چارچوب‌های رجالی و روایی نقل نشده است. افزون بر این نکات، اگر بپذیریم مسجد ضرار به فرمان پیامبر تخریب شده است، این حادثه مطابق با اصطلاحات مرسوم فقهی «قضیه فی واقعه» بوده و نمی‌تواند با عموم «حرمت تخریب مسجد» در آیه ۱۱۴ سوره بقره (نک: حلی، ۱۴۱۴: ۲/۴۳۰) معارضه کند و آن را تخصیص بزند. به عبارت روشن‌تر، به فرض که مسجدی متعلق به منافقان باشد، از آیه مربوط به مسجد ضرار و از سیره نبوی و سیره متشرعه، جواز تخریبش به دست نمی‌آید. می‌توان گفت ضرار بودن مسجد صرفاً عنوانی تحذیری و هشدارآمیز به برهم‌زنندگان امنیت جامعه اسلامی است که در پوشش مسجدسازی دست به توطئه نزنند.

## نتیجه

طبق آنچه گذشت:

۱. حکم اولیه تخریب مسجد نزد شیعه و اهل سنت حرمت است. برای حرمت تخریب، به آیه ۱۱۴ سوره بقره استدلال شده که طبق آن، سعی در خراب کردن مسجد، ستمی است که خواری در دنیا و عذاب عظیم در آخرت را به همراه دارد.
۲. تنها نمونه جواز تخریب مسجد، مربوط به مساجد در آستانه خرابی است که ترس از ریزش آنها بر روی عابران وجود دارد؛ مبنا و دلیل این دفع ضرر محتمل است.
۳. نمونه مسجد ضرار، که تخریبش به فرمان پیامبر اکرم (ص) مستند به کتاب‌های سیره است، نمی‌تواند عموم آیه ۱۱۴ سوره بقره در حرمت تخریب را تخصیص بزند. از طرف

دیگر، این گزارش خبر واحدی است که گرچه مورخان و سیره‌نگاران آن را نقل کرده‌اند، اما چندان قدرت و توان مقابله با عموم ادله حرمت تخریب مساجد را ندارد.

۴. فقهای شیعه که به موضوع تخریب مساجد به قصد گسترش و توسعه آنها توجه کرده‌اند، چندان هم نظر نیستند و چندین نظر و مبنا را محور فتواهایشان قرار داده‌اند؛ از این رو می‌بینیم برخی قول به جواز تخریب مساجد به قصد توسعه، برخی قول به مجاز نبودن و شماری هم قول به توقف را برگزیده‌اند؛ گرچه فقهای روزگار ما معمولاً تخریب به قصد توسعه و تبدیل به احسن را بی‌اشکال و حتی نیکو دانسته‌اند.

۵. جواز تخریب مساجد، از ادله و مبانی و نصوص به دست نمی‌آید. بنابراین، هر نوع استدلالی به آیات قرآنی برای اقدام به تخریب مساجد مخالفان، مخدوش است.

## منابع

قرآن كريم.

- ابن اثير، علي بن محمد (١٤٠٩). *اسد الغابة في معرفة الصحابة*، بيروت: دار الفكر.
- ابن تيميه حراني، احمد بن عبد الحليم (١٣٩٧). *الاختيارات الفقهية*، تحقيق: علي بن محمد البعلبي  
الدمشقي، بيروت: دار المعرفة.
- ابن جزى كلبى، محمد بن احمد (١٩٦٨). *قوانين الاحكام الشرعية و مسائل الفروع الفقهية*، بيروت: دار  
العلم للملايين.
- ابن حجر، احمد بن محمد (١٤٢٤). *الفتاوى الكبرى الفقهية*، بيروت: دار الفكر.
- ابن حنبل، احمد (١٤٢١). *المسند الامام احمد بن حنبل*، محقق: شعيب الارنؤوط، عادل مرشد والآخرين،  
بيروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن خراط، عبد الحق بن عبد الرحمن (١٤٢٢). *الاحكام الشرعية الكبرى*، تحقيق: ابو عبد الله حسين بن  
عكاشه، رياض: مكتبة الرشد، الطبعة الاولى.
- ابن رشد، محمد بن احمد (١٤٠٨). *البيان والتحصيل والشرح والتوجيه والتعليل لمسائل المستخرجة*،  
تحقيق: محمد حجى والآخرين، بيروت: دار الغرب الاسلامي، الطبعة الثانية.
- ابن ضويان، ابراهيم بن محمد (١٤٠٩). *منار السبيل في شرح الدليل*، تحقيق: زهير الشاويش، رياض:  
المكتب الاسلامي، الطبعة السابعة.
- ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد (١٩٨٤). *التحرير والتنوير*، تونس: الدار التونسية للنشر.
- ابن عرفه دسوقي، محمد بن احمد (بى تا). *حاشية الدسوقي على شرح الكبير*، تحقيق: محمد بن احمد  
عليش، بيروت: دار الفكر.
- ابن عساكر، علي بن حسن (١٤١٥). *تاريخ مدينة دمشق*، تصحيح: علي شيرى، بيروت: دار الفكر.
- ابن عليش، محمد بن احمد (١٤٢٨). *فتح العلى المالك فى الفتوى على مذهب الامام مالك*، جمعها و  
نسقتها و فهرسها: علي بن نايف الشحود، بيروت: دار المعرفة.
- ابن قيم جوزيه، محمد بن ايوب (١٣٩٥). *اغائة اللهفان من مصائد الشيطان*، تحقيق: محمد حامد الفقى،  
بيروت: دار المعرفة، الطبعة الثانية.
- ابن قيم جوزيه، محمد بن ايوب (١٤١٥). *زاد المعاد فى هدى خير العباد*، بيروت: مؤسسة الرسالة، كويت:  
مكتبة المنار الاسلامية، الطبعة السابعة والعشرون.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر (١٤٠٧). *البداية والنهاية*، بيروت: دار الفكر.

٤٨٢ / پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، سال نهم، شماره هفدهم

ابن مفلح، محمد (١٤٢٤). *كتاب الفروع و معه تصحيح الفروع*، تحقيق: عبد الله بن عبد المحسن التركي، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى.

ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤١٤). *لسان العرب*، بيروت: دار صادر.

ابن نجيم، زين الدين بن ابراهيم (بى تا). *البحر الرائق شرح كنز الدقاتى*، بى جا: دار الكتاب الاسلامى.

ابن هشام، عبد الملك (بى تا). *السيرة النبوية*، تحقيق: محمد السقا، ابراهيم الايبارى، عبد الحفيظ شلبى، بيروت: دار المعرفة.

ابوحيان اندلسى، محمد بن يوسف (١٤٢٢). *البحر المحيط*، تحقيق: عادل احمد عبد الموجود، على محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمية.

احمدى، على (١٣٩٤). «بحرين در يك نگاه»، در: *فرهنگ اسلامى*، ش ٢٦، ص ١٦٠-١٨٠.

امين عاملى، محسن (١٤٠٣). *ايعان الشيعة*، تحقيق و تخريج: حسن الامين، بيروت: دار التعارف للمطبوعات.

انصارى، محمدباقر (١٣٨٤). *اسرار غدير*، تهران: تك، چاپ يازدهم.

البانى، محمد ناصرالدين (١٤٠٦). *احكام الجنائز*، رياض: المكتب الاسلامى، الطبعة الرابعة.

بجيرمى، سليمان بن محمد (١٣٦٩). *حاشية البجيرمى على شرح المنهاج*، قاهره: مطبعة الحلبي.

بحرانى، سيد هاشم (١٤١٦). *البرهان فى تفسير القرآن*، تهران: بنياد بعثت، چاپ اول.

بحرانى، يوسف بن احمد (١٤٠٩). *الحدائق الناضرة فى احكام العترة الطاهرة*، تحقيق و تعليق: محمدتقى ايروانى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم.

بغا، مصطفى؛ جن، مصطفى؛ والآخرون (١٤١٣). *الفقه المنهجي على مذهب الامام الشافعى*، دمشق: دار القلم للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الرابعة.

بلاذرى، احمد بن يحيى (١٤١٧). *انساب الاشراف*، تحقيق: سهيل زكار، رياض زركلى، بيروت: دار الفكر.

بهوتى، منصور بن يونس (بى تا). *الروض المريع فى شرح زاد المستتقع*، اخرج احاديثه: عبد القدوس محمد نذير، بى جا: دار المؤيد، مؤسسة الرسالة.

تهانوى (بى تا). *كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم*، لبنان: مكتبة لبنان ناشرون.

حجاوى، موسى بن احمد (بى تا). *الاقناع فى فقه الامام احمد بن حنبل*، تحقيق: عبد اللطيف محمد موسى السبكى، بيروت: دار المعرفة.

حر عاملى، محمد بن حسن (١٤١٢). *هداية الامة الى احكام الائمة (ع)*، مشهد: بنياد پژوهش‌هاى آستان قدس رضوى، چاپ اول.

تخريب مساجد از منظر فقه اسلامي / ٤٨٣

- حر عاملي، محمد بن حسن (١٤١٤). *وسائل الشيعة*، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- حسيني عاملي، جواد بن محمد (١٤١٦). *مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة*، بيروت: دار احياء التراث العربي.
- حطاب رعي، محمد بن محمد (١٤١٢). *مواهب الجليل في شرح مختصر خليل*، بيروت: دار الفكر، الطبعة الثالثة.
- حلي، جعفر بن حسن (١٤٠٨). *شرائع الاسلام في مسائل الحلال والحرام*، محقق: عبد الحسين محمد علي بقال، قم: مؤسسه اسماعيليان، چاپ دوم.
- حلي، حسن بن يوسف (١٤١٤). *تذكرة الفقهاء*، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- خامنه‌اي، سيد علي (١٤١٥). *اجوبة الاستفتائات*، بيروت: دار النبأ.
- خضيري، ابراهيم بن صالح (١٤١٩). *احكام المساجد في الشريعة الاسلامية (الجزء الثاني)*، عربستان: وزارة الشؤون الاسلامية والاقواف والدعوة والارشاد، الطبعة الاولى.
- دار الافتاء المصرية (بي تا). *فتاوى دار الافتاء المصرية*، مصر: موقع وزارة الاوقاف المصرية، [www.islamic.council.com](http://www.islamic.council.com)
- دمباطي، ابو بكر بن محمد شطا (١٤١٨). *اعانة الطالبين على حل الفاظ فتح المعين*، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الاولى.
- ذهبي، محمد بن احمد (١٤١٣). *تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير والاعلام*، تحقيق: عمر عبد السلام تدمري، بيروت: دار الكتاب العربي، الطبعة الثانية.
- رشيد رضا، محمد (١٩٩٠). *تفسير المنار*، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- سبزواري، محمد باقر بن محمد مؤمن (بي تا). *ذخيرة المعاد*، قم: مؤسسة آل البيت لحياء التراث.
- سبكي، زكريا بن محمد (١٤٢٢). *اسنى المطالب شرح روض الطالب*، تحقيق: محمد محمد تامر، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى.
- سخاوي، محمد بن عبد الرحمن (١٤١٤). *التحفة اللطيفة في تاريخ المدينة الشريفة*، بيروت: دار الكتب العلمية.
- شنقيطي، محمد امين بن محمد مختار (١٤١٥). *اضواء البيان في ايضاح القرآن بالقرآن*، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- الشيخ نظام وجماعة من علماء الهند (١٤١١). *الفتاوى الهندية في مذهب الامام الاعظم ابي حنيفة*، بيروت: دار الفكر.

٤٨٤ / پژوهش نامه مذاهب اسلامی، سال نهم، شماره هفدهم

صایونی، محمد علی (١٤١٧). *صفوة التفاسیر*، قاهره: دار الصابونی للطباعة والنشر والتوزیع، الطبعة الأولى.

صاوی، احمد (١٤١٥). *بلغة السالك لا قرب المسالك*، تحقیق: محمد عبد السلام شاهین، بیروت: دار الكتب العلمية.

صدوق، محمد بن علی (١٤١٦). *معانی الاخبار*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

صنعانی، حسن بن احمد (١٤٢٧). *فتح الغفار الجامع لاحکام سنة نبینا المختار*، زیر نظر: شیخ علی العمران، بی جا: دار عالم الفوائد، الطبعة الأولى.

طبرانی، سلیمان بن احمد (١٤١٥). *المعجم الكبير*، تحقیق: حمدی بن عبد المجید السلفی، قاهره: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة الثانية.

طبرسی، فضل بن حسن (١٩٩٩). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح و تعليق و تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، فضل الله یزدی طباطبایی، بیروت: دار المعرفة، الطبعة الثانية.

طوسی، محمد بن حسن (١٣٨٧). *المبسوط فی الفقه الامامیة*، تحقیق: سید محمد تقی کشفی، تهران: المكتبة المرتضوية.

عبدری، محمد بن یوسف (١٤١٦). *التاج والاکلیل لمختصر خلیل*، بیروت: دار الفکر.

عثیمین، محمد بن صالح (١٤٢٢). *الشرح الممتع علی زاد المستقنع*، بی جا: دار ابن الجوزی.

عثیمین، محمد بن صالح (بی تا). *تفسیر العثیمین*، بی جا: بی نا.

عینی، محمود بن احمد (١٤٢٠). *البنایة شرح الهدایة*، بیروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى.

فاضل هندی، محمد بن حسن (١٤١٦). *كشف اللثام عن قواعد الاحکام*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

قرطبی، محمد بن احمد (١٤٠٥). *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

قزوینی حائری، محمد حسن (١٣٩٧). *البراهین الحلیة فی رفع التشکیکات الوهابیة*، قاهره: بی نا.

کورانی، علی (١٤٢٢). *الف سؤال و جواب*، بیروت: دار السیرة.

مالکی، عبد الرحمن بن محمد (بی تا). *ارشاد السالك الی اشرف المسالك فی فقه الامام مالک*،

تعلیقہ نویسی: ابراهیم بن حسن، قاهره: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده، الطبعة

الثالثة.

متقی، علی بن حسام الدین (١٩٨٩). *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، بیروت: مؤسسة الرسالة.



تخریب مساجد از منظر فقه اسلامی / ۴۸۵

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، تحقیق: ابراهیم میانجی، محمدباقر بهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.

مجیدی، حسن؛ طاهری دوست، ربابه (۱۳۹۴). «سیر تاریخی مسجد غدیر تا تخریب»، در: *پژوهشنامه علوی*، س ۶، ش ۲، ص ۱۱۱-۱۳۲.

مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴). *تاج العروس*، بیروت: دار الفکر.

مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰). *ینابیع المودة*، بیروت: دار التراث الاسلامیة، الطبعة الاولى.

مصطفوی، حسن (۱۴۱۶). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.

مغنیه، محمد جواد (۱۴۳۰). *الفقه علی المذاهب الخمسة*، بیروت: دار الغدیر، الطبعة الاولى.

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الازهان*، تحقیق: مجتبی عراقی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۰). *امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال والاموال والحفدة والمتاع*، تحقیق: محمد عبد الحمید النمسی، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). *الفتاوی الجدیدة*، قم: مدرسة الامام علی بن ابی طالب (ع).

مکی عاملی (شهید اول)، محمد (بی تا). *الذکری*، ایران: چاپ سنگی.

ملطی، یوسف بن موسی (بی تا). *المعتصر من المختصر من مشکل الآثار*، بیروت: عالم الکتب.

نجفی، محمد حسن (۱۴۲۱). *جواهر الکلام فی ثوبه الجدید*، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، چاپ اول.

نسایی، احمد بن شعیب (۱۴۲۱). *السنن الکبری*، تحقیق: حسن عبد المنعم شلبي، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى.

نویری، احمد بن عبد الوهاب (بی تا). *نهاية الارب فی فنون الادب*، قاهره: دار الکتب والوثائق القومية، مرکز تحقیق التراث.

وزارة الاوقاف والشئون الاسلامية (۱۴۰۴-۱۴۲۷). *الموسوعة الفقهية الكويتية*، کویت: دار السلاسل.

همدانی، رضا بن محمد هادی (۱۴۱۶). *مصباح الفقيه*، قم: مؤسسة الجعفریة لاحیاء التراث.

## References

The Holy Quran

- Abdari, Mohammad ibn Yusof. 1995. *Al-Taj wa al-Aklil le Mokhtasar Khalil (The Crown and the Diadem for Khalil's Mokhtasar)*, Beirut: House of Thought. [in Arabic]
- Abu Hayyan Andolosi, Mohammad ibn Yusof. 2001. *Al-Bahr al-Mohit (The Vast Sea)*, Researched by Adel Ahmad Abd al-Mawjud, Ali Mohammad Moawwaz, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Ahmadi, Ali. 2015. "Bahreyn dar Yek Negah (Bahrain at a Glance)", in: *Islamic Culture*, no. 26, pp. 160-180. [in Farsi]
- Albani, Mohammad Naser al-Din. 1985. *Ahkam al-Janaez (Funeral Rulings)*, Riyadh: Islamic Press, Fourth Edition. [in Arabic]
- Amin Aameli, Mohsen. 1983. *Ayan al-Shiah (The Shiite Luminaries)*, Researched by Hasan Amin, Beirut: Al-Taarof House. [in Arabic]
- Ansari, Mohammad Bagher. 2005. *Asrar Ghadir (Secrets of Ghadir)*, Tehran: Tak, 11<sup>th</sup> Edition. [in Farsi]
- Ardebili, Ahmad ibn Mohammad. 1982. *Majma al-Faedah wa al-Borhan fi Sharh Ershad al-Azhan (Complex of Interest and Proof in Explaining the Guidance of Minds)*, Researched by Mojtaba Eraghi, Qom: Qom Seminary Teachers Association. [in Farsi]
- Ayni, Mahmud ibn Ahmad. 1999. *Al-Benayah Sharh al-Hedayah*, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Bagha, Mostafa; Jen, Mostafa; et al. 1992. *Al-Feghh al-Manhaji ala Mazhab al-Imam al-Shafei (Methodological Jurisprudence according to the Doctrine of Imam Shafei)*, Damascus: Pen House for Printing, Publishing and Distribution, Fourth Edition. [in Arabic]
- Bahrani, Sayyed Hashem. 1995 *Al-Borhan fi Tafsir al-Quran (Argument in the Interpretation of the Quran)*, Tehran: Bethat Foundation, First Edition. [in Arabic]
- Bahrani, Yusof ibn Ahmad. 1988. *Al-Hadaegh al-Nazerah fi Ahkam al-Etrah al-Taherah (Lush Gardens on the Rulings of the Pure Family)*, Researched & Annotated by Mohammad Taghi Irawani, Qom: The Islamic Publishing Corporation of the Teachers' Association. [in Arabic]

- Balazori, Ahmad ibn Yahya ibn Jaber. 1997. *Ansab al-Ashraf (Genealogies of the Nobles)*, Researched by Sohayl Zakar & Riyaz Zarakli, Beirut: Institute of Thought. [in Arabic]
- Bohuti, Mansur ibn Yunes. n.d. *Al-Rawz al-Morbe fi Sharh Zad al-Mostaghne*, Researched by Abd al-Ghoddus Mohammad Nazir, n.p: Al-Moayyed House, Al-Resalah Institute. [in Arabic]
- Bojayrami, Solayman ibn Mohammad. 1949. *Hashiyah al-Bojayrami ala Sharh al-Menhaj*, Cairo: Al-Halabi Press. [in Arabic]
- Damyati, Abu Bakr ibn Mohammad Shata. 1997. *Eanah al-Talebin ala Hal Alfaz Fath al-Moin*, Beirut: House of Thought for Printing, Publishing and Distribution, First Edition. [in Arabic]
- Dar al-Ifta al-Mesriyyah. n.d. *Fatawa Dar al-Efta al-Mesriyyah (Fatwas of the Craft of Issuing Fatwa)*, Egypt: The website of the Egyptian Ministry of Endowments, www.islamic.council.com
- Fazel Hendi, Mohammad ibn Hasan. 1995. *Kashf al-Letham an Ghawaed al-Ahkam (Revelation of the Veil of the Principles of Rulings)*, Qom: Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]
- Ghazwini Haeri, Mohammad Hasan. 1976. *Al-Barahin al-Jaliyah fi Raf al-Tashkikat al-Wahhabiyah (The Clear Proofs in Refuting the Wahhabi Doubts)*, Cairo: n.pub. [in Arabic]
- Ghortobi, Mohammad ibn Ahmad. 1984. *Al-Jame le Ahkam al-Quran (Collection of the Quranic Rulings)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Hajawi, Musa ibn Ahmad. n.d. *Al-Eghna fi Feghh al-Imam Ahmad ibn Hanbal*, Researched by Abd al-Latif Mohammad Musa al-Sabki, Beirut: House of Knowledge. [in Arabic]
- Hamedani, Reza ibn Mohammad Hadi. 1995. *Mesbah al-Faghih (Light for Jurists)*, Qom: Al-Jafariyah Foundation for Heritage Revival. [in Arabic]
- Hattab Roayni, Mohammad ibn Mohammad. 1991. *Mawaheb al-Jalil fi Sharh Mokhtasar Khalil*, Beirut: House of Thought, Third Edition. [in Arabic]
- Helli, Hasan ibn Yusof. 1993. *Tazkerah al-Foghaha (Handbook for Jurists)*, Qom: Al-Bayt (AS). [in Arabic]
- Helli, Jafar ibn Hasan. 1987. *Sharae al-Eslam fi Masael al-Halal wa al-Haram (Canons of Islam on the Matters of Halal and Haram)*, Researched by Abd al-

- Hosayn Mohammad Ali Baghghal, Qom: Ismailiyan Institute, Second Edition. [in Arabic]
- Horr Aameli, Mohammad ibn Hasan. 1991. *Hedayah al-Ommah ela Ahkam al-Aemmah (Guiding the Nation to the Rulings of the Imams)*, Mashhad: Astan Quds Razawi Research Foundation, First Edition. [in Arabic]
- Horr Aameli, Mohammad ibn Hasan. 1993. *Wasael al-Shiah (The Means of the Shiites)*, Qom: Al al-Bayt (AS) Institute. [in Arabic]
- Hosayni Aameli, Jawad ibn Mohammad. 1995. *Meftah al-Karamah fi Sharh Ghawaed al-Allamah*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Ibn Arafah Dosughi, Mohammad ibn Ahmad. n.d. *Hashiyah al-Dosughi ala Sharh al-Kabir*, Researched by Mohammad ibn Ahmad Olaysh, Beirut: House of Thought. [in Arabic]
- Ibn Asaker, Ali ibn Hasan. 1994. *Tarikh Madinah Demashgh (History of the City of Damascus)*, Edited by Ali Shiri, Beirut: House of Thought. [in Arabic]
- Ibn Ashur, Mohammad ibn Taher ibn Mohammad. 1984. *Al-Tahrir wa al-Tanwir (Writing and Enlightenment)*, Tunisia: Tunisian Publishing House.. [in Arabic]
- Ibn Athir, Ali ibn Mohammad. 2030. *Osd al-Ghabah fi Ma'refah al-Sahabah (Forest Lion in Recognition of the Companions of the Prophet)*, Beirut: House of Thought. [in Arabic]
- Ibn Ghayyem Jawziyah, Mohammad ibn Ayyub. 1975. *Eghathah al-Lahfan men Masaed al-Shaytan (Relief from the Traps of Satan)*, Researched by Mohammad Hamed al-Faghi, Beirut: House of Knowledge, Second Edition. [in Arabic]
- Ibn Ghayyem Jawziyah, Mohammad ibn Ayyub. 1994. *Zad al-Maad fi Hoda Khayr al-Ebad (Provision of the Hereafter in the Guidance of the Best of Servants)*, Beirut: Al-Resalah Institute, Kuwait: Al-Menar Islamic Press, Twenty-seventh Edition. [in Arabic]
- Ibn Ghodamah, Abdollah ibn Ahmad. 1985. *Al-Moghni fi Feghh al-Imam Ahmad ibn Hanbal al-Sheybani*, Beirut: Thought House. [in Arabic]
- Ibn Hajar, Ahmad ibn Mohammad. 2003. *Al-Fatawa al-Kobra al-Feghhiyah (Great Jurisprudential Fatwas)*, Beirut: House of Thought. [in Arabic]
- Ibn Hanbal, Ahmad. 2000. *Al-Mosnad al-Imam Ahmad ibn Hanbal*, Researched by Shoayb al-Arnaut, Adel Morshed, et al., Beirut: Al-Resalah Institute. [in Arabic]
- Ibn Hesham, Abd al-Malek. n.d. *Al-Sirah al-Nabawiyyah (Biography of the Prophet)*, Researched by Mohammad al-Saghgha & Ibrahim al-Abyari & Abd al-Hafiz Shelbi, Beirut: Knowledge of House. [in Arabic]

- Ibn Jazi Kalbi, Mohammad ibn Ahmad. 1968. *Ghawanin al-Ahkam al-Shariah wa Masael al-Foru al-Feghhiyah (Laws of Sharia Rulings and Issues of Jurisprudential Topics)*, Beirut: The House of Knowledge for Millions. [in Arabic]
- Ibn Kathir, Ismail ibn Omar. 1986. *Al-Bedayah wa al-Nehayah fi al-Tarikh (The Beginning and the End in History)*, Beirut: House of Thought. [in Arabic]
- Ibn Kharrat, Abd al-Hagh ibn Abd al-Rahman. 2001. *Al-Ahkam al-Shariyah al-Kobra (Major Legal Rulings)*, Researched by Abu Abdollah Hosayn ibn Akashah, Riyadh: Al-Roshd Press, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Manzur, Mohammad ibn Mokarram. 1993. *Lesan al-Arab (Language of Arabs)*, Beirut: Sader Institute. [in Arabic]
- Ibn Mofleh, Mohammad. 2003. *Ketab al-Foru wa Maah Tashih al-Foru*, Edited by Abdollah ibn Abd al-Mohsen al-Torki, Beirut: Al-Resalah Institute, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Najim, Zayn al-Din ibn Ibrahim. n.d. *Al-Bahr al-Raegh Sharh Kanz al-Daghaegh*, n.p: Islamic Book House. [in Arabic]
- Ibn Olaysh, Mohammad ibn Ahmad. 2007. *Fath al-Ali al-Malek fi Fatwa ala Mazhab al-Imam Malek*, Compiled, Coordinated, and Indexed by Ali ibn Nayf al-Shahwad, Beirut: House of Knowledge. [in Arabic]
- Ibn Roshd, Mohammad ibn Ahmad. 1987. *Al-Bayan wa al-Tahsil wa al-Sharh wa al-Tawjih wa al-Talil le Masael al-Mostakhrajah (Explanation, Collection, Explanation, Guidance and Reasoning for the Issues Extracted)*, Researched by Mohammad Hajji, et al, Beirut: The Islamic West House, Second Edition. [in Arabic]
- Ibn Taymiyyah Harrani, Ahmad ibn Abd al-Halim. 1976. *Al-Ekhtiyarat al-Feghhiyah (Jurisprudential Choices)*, Researched by Ali ibn Mohammad al-Bali al-Demashghi, Beirut: House of Knowledge. [in Arabic]
- Ibn Zawyan, Ibrahim ibn Mohammad. 1988. *Manar al-Sabil fi Sharh al-Dalil*, Researched by Zohayr al-Shawish, Riyadh: The Islamic Office, Seventh Edition. [in Arabic]
- Khamenei, Sayyed Ali. 1994. *Ajwabah al-Esteftaat (Replies to Inquiries)*, Beirut: News House. [in Arabic]
- Khozayri, Ibrahim ibn Saleh. 1998. *Ahkam al-Masajed fi al-Shariah al-Islamiyah, al-Joz al-Thani (The Rulings of the Mosques in Islamic Law, Part Two)*, Saudi Arabia: Ministry of Islamic Affairs, Endowments, Call and Guidance, First Edition. [in Arabic]

- Kurani, Ali. 2001. *Alf Soal wa Jawab (A Thousand Questions and Answers)*, Beirut: Al-Sirah House. [in Arabic]
- Majidi, Hasan; Taheri Dust, Robabeh. 2015. "Seyr Tarikhi Masjed Ghadir ta Takhrib (The History of Ghadir Mosque until Its Destruction)", in: *Alawi Research Journal*, yr. 6, no. 2, pp. 111-132. [in Farsi]
- Majlesi, Mohammad Bagher ibn Mohammad Taghi. 1982. *Behar al-Anwar (Oceans of Lights)*, Edited by Ibrahim Miyaneji & Mohammad Bagher Behbudi, Beirut: Arab Heritage Revival House, Third Edition. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, Naser. 2006. *Al-Fatawi al-Jadidah (New Fatwas)*, Qom: Imam Ali ibn Abi Taleb School. [in Arabic]
- Makki Aameli (Shahid Awwal), Mohammad. n.d. *Al-Zekra*, Iran: Lithography. [in Arabic]
- Malati, Yusof ibn Musa. n.d. *Al-Motasar men al-Mokhtasar men Moshkel al-Athar*, Beirut: Book World. [in Arabic]
- Maleki, Abd al-Rahman ibn Mohammad. n.d. *Ershad al-Salek ela Ashraf al-Masalek fi Feghh al-Imam Malek (Guidance of the Seeker to the Most Honorable Paths in the Jurisprudence of Imam Malek)*, Annotated by Ibrahim ibn Hasan, Cairo: Mostafa al-Babi al-Halabi and His Sons Bookstore and Printing Company, Third Edition. [in Arabic]
- Meghrizai, Ahmad ibn Ali. 1999. *Emta al-Asma be Ma le al-Nabi men al-Ahwal wa al-Amwal wa al-Hafdah wa al-Mata (Enjoying Listening to the Prophet's Affairs, Wealth, Grandchildren and Belongings)*, Researched by Mohammad Abd al-Hamid al-Namisi, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Ministry of Endowments and Islamic Affairs. 1983-2006. *Al-Mawsuah al-Feghhiyah al-Koweytiyah (Kuwaiti Feghi Encyclopedia)*, Kuwait: Al-Salasel House. [in Arabic]
- Moghniyah, Mohammad Jawad. 2008. *Al-Feghh ala al-Mazaheb al-Khamsah (Jurisprudence on the Five Denominations)*, Beirut: Al-Ghadir House, First Edition. [in Arabic]
- Mortaza Zabidi, Mohammad ibn Mohammad. 1993. *Taj al-Arus (Bride Crown)*, Beirut: Institute of Thought. [in Arabic]
- Morwarid, Ali Asghar. 1989. *Yanabi al-Mawaddah (Springs of Affection)*, Beirut: Islamic Heritage House, First Edition. [in Arabic]

- Mostafawi, Hasan. 1995. *Al-Tahghigh fi Kalamat al-Quran al-Karim (Research on the Terms of the Holy Quran)*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, First Edition. [in Arabic]
- Mottaghi, Ali ibn Hesam al-Din. 1989. *Kanz al-Ommal fi Sonan al-Aghwal wa al-Afaal (The Treasure of Workers in the Traditions of Words and Deeds)*, Beirut: Al-Resalah Institute. [in Arabic]
- Najafi, Mohammad Hasan. 2000. *Jawaher al-Kalam fi Thawbeh al-Jadid (Jewelry Words in Its New Dress)*, Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopedia Institute on the Doctrine of Ahl al-Bayt (AS), First Edition. [in Arabic]
- Nasayi, Ahmad ibn Shoayb. 2000. *Al-Sonan al-Kobra (Great Traditions)*, Researched by Hasan Abd al-Monem Shelbi, Beirut: Al-Resalah Institue, First Edition. [in Arabic]
- Nowayri, Ahamd ibn Abd al-Wahhab. n.d. *Nehayah al-Arab fi Fonun al-Adab (The Ultimate Ambition in the Arts of Erudition)*, Cairo: House of National Books and Documents, Heritage Investigation Center. [in Arabic]
- Othaymin, Mohammad ibn Saleh. 2001. *Al-Sharh al-Momta ala Zad al-Mostaghna*, n.p: House of Ibn Jawzi. [in Arabic]
- Othaymin, Mohammad ibn Saleh. n.d. *Tafsir al-Othaymin*, n.p: n.pub. [in Arabic]
- Rashid Reza, Mohammad. 1990. *Tafsir Al-Menar*, Cairo: The Egyptian General Book Authority. [in Arabic]
- Sabki, Zakariya ibn Mohammad. 2001. *Asna al-Mataleb Sharh Rawz al-Taleb*, Researched by Mohammad Mohammad Tamor, Beirut: Scientific Books House, First Edition. [in Arabic]
- Sabuni, Mohammad Ali. 1996. *Safwah al-Tafasir (Anthology of Commentaries)*, Cairo: Sabuni House for Printing, Publishing and Distribution, First Edition. [in Arabic]
- Sabzewari, Mohammad Bagher ibn Mohammad Momen. n.d. *Zakhirah al-Maad (Provision of the Hereafter)*, Qom: Al al-Bayt Foundation for Heritage Revival. [in Arabic]
- Sadugh, Mohammad ibn Ali. 1995. *Maani al-Akhbar (Meanings of the Narrations)*, Edited by Ali Akbar Ghaffari, Qom: Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]

- Sakhawi, Mohammad ibn Abd al-Rahman. 1993. *Al-Tohfah al-Latifah fi Tarikh al-Madinah al-Sharifah (The Nice Masterpiece in the History of Medina)*, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Sanaani, Hasan ibn Ahmad. 2006. *Fath al-Ghaffar al-Jame le Ahkam Sonnah Nabiyena al-Mokhtar (Fath al-Ghaffar Including the Rulings of the Tradition of Our Chosen Prophet)*, Supervised by Sheikh Ali al-Emran, n.p: The World of Benefits, First Edition. [in Arabic]
- Sawi, Ahmad. 1994. *Bolaghah al-Salek le Aghrab al-Masalek*, Researched by Mohammad Abd al-Salaam Shahin, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Sheikh Nizam and a Group of Indian Scholars. 1990. *Al-Fatawa al-Hendiyah fi Mazhab al-Imam al-Azam Abi Hanifah al-Noman (Indian Fatwas in the Doctrine of the Greatest Imam Abu Hanifah al-Noman)*, Beirut: House of Thought. [in Arabic]
- Shenghiti, Mohammad Amin ibn Mohammad Mokhtar. 1994. *Azwa al-Bayan fi Izah al-Quran be al-Quran (Lights of Expression in Clarifying the Quran by the Quran)*, Beirut: House of Thought for Printing, Publishing and Distribution. [in Arabic].
- Tabarani, Solayman ibn Ahmad. 1994. *Al-Mojam al-Kabir (The Great Collection of Narrations)*, Researched by Hamdi Abd al-Majid al-Salafi, Cairo: Ibn Taymiyyah Press, Second Edition. [in Arabic]
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. 1999. *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Collection of Statements on the Interpretation of the Quran)*, Researched, Annotated & Edited by Hashem Rasuli Mahallati & Fazlollah Yazdi Tabatabayi, Beirut: House of Knowledge, Second Edition. [in Arabic]
- Tahanawi. n.d. *Kashshaf Estelahat al-Fonun wa al-Olum (Glossary of Professions and Sciences)*, Lebanon: The Lebanese School of Publishers. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 2008. *Al-Mabsut fi al-Feghh al-Emamiyah (Detailed Explanation of Imami Jurisprudence)*, Researched by Sayyed Mohammad Taghi Kashfi, Tehran: Mortazawi Publication. [in Arabic]
- Zahabi, Mohammad ibn Ahmad. 1992. *Tarikh al-Islam wa Wafayat al-Mashahir wa al-Alam (History of Islam and the Deaths of Figures and Luminaries)*, Researched by Omar Abd al-SalaamTadmori, Beirut: Arabic Book House, Second Edition. [in Arabic]